

«ایران» در گفت وگو با فعالین حوزه انیمیشن بررسی کرد

همکاری انیمیشن سازهای ایرانی با استودیوهای خارجی

هر روز می جنگیم که این پرچم روی زمین نیفتد

نیلوفر ساسانی /قرار گرفتن آثار انیمیشن در فهرست پرفروش‌های سینمای ایران و از سوی دیگری رغبتی نهاده‌اوارگان‌های سینمایی فرهنگی برای سرمایه‌گذاری در تولید این آثار، از معادله چند مجهولی فراتر رفته و تبدیل به معما شده است. باتجربه موفق انیمیشن‌ها در گیشه از «شاهزاده روم» و «فیلشاه» تا «پسر دلغینی» و «لوتپو» انتظار این بود ساخت انیمیشن به عنوان اثر فرمولی تازه جهت تضمین موفقیت سرمایه‌گذاران، تهیه‌کنندگان و فیلمسازان مورد استقبال قرار بگیرد اما چشم‌انداز انیمیشن‌سازی در ایران نگران‌کننده است.در تمام این سال‌ها انیمیشن‌سازی در ایران با تازریق بودجه‌های دولتی روی پای خود ایستاده و حالا با کم‌رغبتی سرمایه‌گذاری دولتی در این حوزه نفس انیمیشن در سینمای ایران به شماره افتاده است. اگرچه فعالان این حوزه معتقدند خروجی آنچه باتزریق بودجه‌های دولتی به دست می‌آید - همچون دیگر گونه‌های سینمایی- صنعت سینما نیست و تنها با تقویت بخش خصوصی و گسترده شدن بازار اکران، انیمیشن می‌تواند به حرکت بالنده‌اش ادامه دهد اما با قطع حمایت‌های مالی دولتی بعید است انیمیشن ایرانی به حیات خود ادامه دهد.
باریوگرانی سرمایه‌گذاری در ساخت انیمیشن داخلی، استعداد‌های این حوزه جذب فوآت خارجی شده‌اند و دانش و تجربه آنها در خدمت انیمیشن‌هایی است که بازار مصرف‌شان خارج از ایران است،محصولاتی که تولیدکنندگانش حتی گوشه چشمی هم به بازار کوچک اکران ایران ندارند.در نهایت خسارت دیدگان اصلی این ماجرا، نسل کودک و نوجوانی است که به گفته‌های محمدیان مخاطب اصلی سینمای ایران است.

■ باز خودمانیم و خودمان
«سینما برای مخاطبان کودک و نوجوان است. در همه جای دنیا سینما مساوی است با سینمای کودک و نوجوان. مگر می‌شود فیلمی که برای گیشه ساخته شده مخاطبی غیر از کودک و نوجوان داشته باشد. سینما مال کودک می‌زنم، والد دیزنی در سنای آمریکا انیمیشن در وضعیت بیمار سینما می‌فروشد اما باز آن را جدی نمی‌گیریم و آنچه می‌بینیم عدم توجه به سینمای انیمیشن است.»
کوبنده این صحبت‌ها، **هادی محمدیان** کارگردان انیمیشن‌های سینمایی «شاهزاده روم»، «فیلشاه» و «پچه زرنگ» است. او می‌گوید فروش قابل توجه انیمیشن‌ها ی مردم کجاست؟ در این وضعیت بیماران خبرهای ناراحت‌کننده‌ایا برنامه‌ای برای شادی بچه‌ها داریم؟ اگر در چنین شرایطی سینمای کودک که من آن را مترادف انیمیشن یا فیلم‌های تلفیقی - انیمیشن و رئال - می‌دانم، خوب می‌فروشد به خاطر همین نیاز بچه‌ها به تفریح و شادی است. سینما مال کودک و نوجوان است. سوپرمن و بت من هم قهرمان‌هایش، جوان و نوجوان هستند. این فرمول فروش گیشه است.»
محمدیان که این روزها با دفاتر اتریش در حال همکاری است در پاسخ به سوآلی درباره افزایش این همکاری‌ها و شدن کمد فعالیت انیمیشن‌سازان آزمون پس داده در سینمای ایران می‌گوید: «ما کناره‌گیری نکردیم. تولید انیمیشن خیلی گران است و الان کمتر از ۳۰ و ۴۰ میلیارد



ایرانی حتی در شرایط غیرمعمول امروز هم شگفت‌انگیز نیست و از یک اتفاق فراتر رفته است: «از صدرصد تولیدات انیمیشن، صدرصد آن فروخته است. با همه بی‌مهری‌ها و کم‌لطفی‌ها، انیمیشن جزو ۴ تا ۵ فیلم پرفروش سال است. تعجب می‌کنم که همچنان موفقیت این آثار وچرایی آن برای برخی سؤوال است! اصلا به فرض اینکه دلایل جذابیت انیمیشن‌ها را بلیبیم و راجع به آن بحث کنیم چه تأثیری در سینمای انیمیشن دارد؟ کسی می‌داند چرا انیمیشن بسازد، تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار ترغیب می‌شود؟ کسی از آن حمایت می‌کند؟ باز

نگاهی به برخی واکنش‌های اهالی فرهنگ درباره درگذشت مفتون امینی

شاعری موفق در همه قالب‌های شعری

گروه فرهنگی / با آنکه چند روزی از انتشار خبر درگذشت بدالله مفتون امینی می‌گذرد اما واکنش‌ها به فقدان وی همچنان ادامه دارد، از آن جمله می‌توان به پیام‌هایی اشاره کرد که معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و برخی اهالی ادبیات در سوگ مفتون امینی نوشته‌اند.

■ آخرین بارمانده از نسل شاگردان مستقیم‌ها

یاسر احمدوند، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی که با یک بیت شعر آغاز شده، نوشته است: «من آتش تو به دریا فکندهم ای ام عشق/ هنوز سر به فلک می‌کشد زبانه تو. این بیت زنده‌باد «مفتون امینی» شاید نزدیک‌ترین بخش شعرهای شاعر باشد به حیات پریار خودش. شاعری که

افزوده شده است و با هر شعر تازه‌ای که شاعران جوان‌تر می‌نویسند در این گستره عظیم ادامه خواهد داشت.»

همان‌طور که احمدوند هم در پیام تسلیت خود اشاره کرد است، از شعر مفتون امینی تصریح کرده است: «مفتون امینی بنوعی و منتشرد کرد و شگفت‌انگیزه آنکه در هفتمین و هشتمین دهه عمر نیز چون شاعری جوان، طبیعی روان و جوان داشت، وقتی که نوشت: «گفتی/ چقدر می‌شود از آب گفت؟/ از من اگر که می‌پرسی/ یک دریا».

درگذشت «مفتون امینی» را که آخرین بارمانده از نسل شاگردان مستقیم نیما بود باید علاوه بر خانواده محترم او به میراث‌داران شعر امروز فارسی تسلیت گفت، هر چند آثار این شاعر درگذشته و دهه او در این باره به ایسنا، گفته است:

■ یکشنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۱

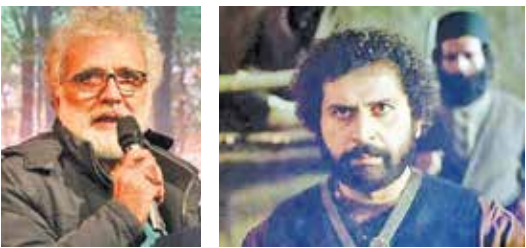
■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۹۶۹۸۰

۲۳ فرهنگی

به بهانه اهدای جایزه سال میرزا کوچک خان به «بهروز افخمی» کارگردان کوچک جنگلی

خاطره‌سازی با امکانات محدود



گروه فرهنگی / چند روز پیش محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور در مراسم پایانی نگره بین‌المللی شهید میرزا کوچک جنگلی، ضمن رونمایی از تمبر یادبود این مبارز، جایزه سال میرزا را به «بهروز افخمی» اهدا کرد. این خیر دوباره ذهن‌های بسیاری از ایرانی‌ها را برد به سمت این سریال. دهه شصت دهه عجیب رسانه و تلویزیون بود، دهه سریال‌های درخشان و به‌باد ماندنی که هنوز که هنوز است هم اسم و رسم‌شان آشناست و هم خاطره‌هاشان نقل محافل. یکی از این سریال‌های درخشان این دوره که بی اغراق تمام ایران را به تماشای خود، پای تلویزیون می‌نشانند سریال کوچک جنگلی بود به کارگردانی بهروز افخمی که بعید نیست شما هم، حالا که این سطرها را می‌خوانید موسیقی بی‌نظیر آن سریال را با صدای درخشان ناصرمسعودی به ذهن متبادر کنید. کوچک جنگلی مسیر عجیبی را تا پخش گذراند؛ سریالی که ساختش آرزوی ناصر تقوایی بود در نهایت به بهروز افخمی رسید. در واقع پروژه ساخت کوچک جنگلی از سال ۶۳ آغاز شد و سال ۶۶ پایان یافت و بهروز افخمی که آن زمان از مدیران گروه فیلم و سریال تلویزیون بود، به نوعی متولی شکل‌گیری این مجموعه شد و خودش در قامت کارگردان روی صندلی کارگردانی‌اش نشست.

■ از میرزا تا دکتر حشمت تازئین

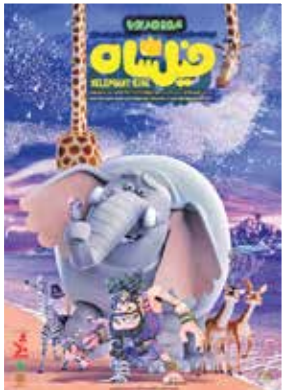
این سریال هنوز هم در مقایسه با زمان خود، پروژه بزرگ و به قول امروزی‌ها «بیک‌بروداکشنی» بود و تلویزیون وسواس‌های بسیاری روی ساخت این مجموعه داشت و در نهایت نظرش برای کارگردانی این سریال، به گزینه‌های مشخص رسید: علی حاتمی کارگردان سریال سلطان صاحبقران، ناصر تقوایی کارگردان سریال دایی جان ناپلئون و همایشون شهناز کارگردان سریال دلبران تنگستان؛ در این بین علی حاتمی درگیر پروژه عظیم هزارستان بود و قرعه به نام ناصر تقوایی افتاد. متن را خود تقوایی نوشت اما در ادامه وسواس‌های تقوایی و بروز مشکلاتی با تلویزیون باعث شد تا در نهایت تقوایی از پروژه کنار بکشد. مدیران تلویزیون تنها یک تغییر عمده در عوامل تولید دادند: بهروز افخمی جای ناصر تقوایی را گرفت و فیلم ساخت و پخش شد. این را هم بگوییم که همه نوستالژی‌های ما ریشه در جایی دارد و این پروژه جنگل شده بود و در راه مردم هیچ خستگی برایش معنی نداشت، نه آن زمانی دیدیم ساده به دست نیامد. داستان مردی که خوابگاهش تنها در تیزرتی است که با صدای ناصر مسعودی شنیده می‌شد که در تک‌تک صحنه‌های این سریال با پوست و گوشت و استخوان قابل لمس بود و تا ده‌ها بعد ماند نام میرزا را در ذهن و خاطره ایرانی‌ها، بزرگ‌بویرگ‌تر کرد. این را هم بگوییم که سریال تنها دوره اول قیام میرزا کوچک‌خان را به تصویر می‌کشد از شروع قیام و شکل‌گیری هیات اتحاد اسلام شروع می‌شود و تا ورود نیروهای تیمورتاش به رشت و راهبیمایی طولانی کشمبای و اعدام دکتر حشمت شد ادامه پیدا می‌کند؛ و سریال در همین نقطه تمام می‌شود. البته صحبت‌هایی برای ساخت بخش دوم این سریال طی سال‌های اخیر خبر که هیچ کدام به نتیجه نرسید.

■ از واقعیت تا خیال

بهروز افخمی در ۱۳۹۷ آذر ۱۳ در گفت‌وگویی با روزنامه ایران درباره اختلافاتی که درباره فیلمنامه سریال با تقوایی به‌وجود آمده بود می‌گوید: «زمانی که من مدیر فیلم و سریال شدم، فیلمنامه به تشکیلات فیلم و سریال آمد. ناصر تقوایی پایه‌کار خود را بر یک رمانس تاریخی به نام «مردی از جنگل» نوشته احمد احرار قرار داده بود. این کتاب اصلا ارزش سندیّت ندارد و تنها ممکن است به‌عنوان یک پاورقی در مجله‌ای و در دوره‌ای چاپ و خواننده شده باشد، ولی کسی آن را مآخذ ارزشمندی برای ساخت فیلمی تاریخی به حساب نمی‌آورد. تقوایی بدون توجه به این مطلب، تمام ماجراهای این رمانس را که پر از غلط و کاملاًخیالی و افسانه‌پردازانه بود، مدیا، فیلمنامه‌اش قرار داده بود. وقتی تقوایی کنار رفت من و احمد مرادیو ۳، ۴ ماهی دانماً مشغول بازنویسی فیلمنامه بودیم و بعد که فیلمبرداری شروع شد باز هم این کار شبانه‌روزی ادامه داشت. بعضی صحنه‌ها را هم امراالله احمدجو نوشت.»

■ آن تصویرها و صداها

در نهایت همه این‌ها، سریالی تاریخی را در کارنامه سریال‌سازی ایران ثبت کرد که به نظر می‌رسد به نوعی هویت تلویزیون ایران در سریال‌سازی باشد و آن چهره علیرضا محجل در نقش کوچک جنگلی، مهدی هاشمی در نقش دکتر حشمت، عباس امیری در نقش حاج احمد کسمایی، فتحعلی اویسی در نقش مشهدیه علی‌شاه، داوود رشیدی در نقش مستوفی الممالک و... تا همیشه در خاطره مردم ایران باقی خواهد ماند و آن نواى دل‌نشین که با همیگی می‌خواند «چقد جنگل خوشی، ملت و سی، خسته نئستی، می جان جانانا، ترا گمّه میرزا کوچک خانا...» حافظه موسیقایی ما از صنعت سریال‌سازی در دهه کم‌امکان شصت است.



روزها ما مشغول تولید یک سینمایی هستیم که بازار مصرفش بیرون از ایران است. احتمالاً داخل ایران هم اکران نشود چون در نهایت حدود یک میلیون تا دو میلیون دلار فروش دارد یعنی حتی ارزش آن را ندارد که دوبله کنی.»
او درباره نحوه همکاری با دفاتر خارجی و اینکه چرا فعالان این عرصه به جای تولید محتوا به سرویس‌دهی متمرکز شده‌اند، می‌گوید: «کمپانی‌ها یا conten maker یعنی تولیدکننده محتوای اورجینال هستند یا service provider یعنی به شرکت‌های خارجی خدمات می‌دهند. بزرگترین شرکت‌های دنیا service provider هستند. کمپانی‌ها هم از همین دسته است. برخی شرکت‌ها اصراً دارند که بگویند conten maiker هستند. مدل خوبی هم هست اما لزوماً به معنای اشتغالزایی و موفقیت تجاری نیست. اگر مارکت موفق‌ی نداشته باشی، سرمایه‌گذاری‌ات روی هواست. در ایران تقریباً انیمیشنی نداریم که با بودجه خصوصی تولید شده باشد، اکثر آثار با بودجه‌های دولتی است. از معدود آثار بخش خصوصی «آخرین داستان» اشکان رفهگر است که ساخت آن حدود ۱۲ سال طول کشیده است. اینکه اسمش صنعت انیمیشن نیست؛ صنعت یعنی اینکه دو، سه سال کار کنی، در اکران پولش برگردد و بروی سراخ‌کار بعدی. بازار، بازار کوچکی است که بودجه تولید اکثر آثار را دولت داده که این یک رابطه مریخ و مریخ ایجاد می‌کند. سوآلی می‌شود چرا فیلم نداریم چون اکران نداریم، چرا اکران نداریم چون فیلم نداریم.»

مطوری درباره تمرکز فیلمسازان آزمون پس داده روی محصولات خارجی در شرایطی که ارگان‌ها و نهادهای دولتی در این حوزه وجود ندارد.»



«مفتون امینی جزو شاعرانی بود که همیشه خیلی با ظرافت، آهستگی و با طمانینه‌کاری می‌کرد. شاید بتوان گفت یکی از شاعران آهسته و پیوسته ادبیات ایران بود.»عابدی درباره ویژگی‌های شعری شعر مفتون امینی تصریح کرده است: «او آخرین نفر از نسل طلایی دهه ۱۳۲۰ بود. این شاعران معمولاً از کسانی بودند که دهه ۱۳۰۰ به دنیا آمده و در دهه ۱۳۲۰ وارد دوره جوانی شده و فعالیت‌ادی خود را آغاز کرده بودند؛ مهدی اخوان‌ثالث، سهراب سپهری و بسیاری دیگری جزو این نسل بودند. همه آنها به نوعی به نیما علاقه داشتند یا به تدریج به نیما علاقه پیدا کردند. همه این شاعران یکی ویژگی مشترک دارند و آن این‌که دوره‌ای به شعر سنتی یا نوستنی توجه نشان دادند (آذریاجان غربی) است و در رشته حقوق

۵۷۸ فیلم متقاضی حضور در بخش بین الملل چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر



ثبت‌نام بخش بین‌الملل از ۱۵ شهریورماه آغاز شده بود و تا پایان هفته گذشته ادامه داشت که در مجموع ۵۷۸ فیلم از ۷۲ کشور متقاضی حضور در بخش بین‌الملل جشنواره چهل و یکم شامل سینمای سعادت و جلوه‌های شرق (مسابقه سینمای کشورهای آسیایی – اسلامی) شدند. علاوه بر این‌ کشورهای ایتالیا، مالزی، سنگاپور، پرتغال، روسیه، چین، قرقیزستان، آرژانتین، هند، شیلی، تاجیکستان، استونی، لتونی، هلند، ایرلند، آلمان، استرالیا، بنگلادش، کانادا، لهستان، انگلستان، ترکیه، میانمار، سوئیس، بلژیک، فرانسه، اندونزی، رومانی، اوکراین، دانمارک، لوکزامبورگ، سوئد، عراق، هنگ‌کنگ، مولداوی، ارمنستان، یونان، مغولستان، ژاپن، قزاقستان، چک، آذربایجان، مکزیک، آمریکا، اسپانیا، بلغارستان، برزیل، بلاروس، سریلانکا، تونس، گرجستان، صربستان، دومینیکا، کره جنوبی، لیبی، مصر، سوریه، عمان، تایلوان، لبنان، مراکش، فنلاند، کویت، مقدونیه، کامبوج، قطر، نروژ، اتریش، ویتنام، تایلند و ایسلند آثارشان را برای حضور در بخش بین‌الملل این دوره جشنواره ثبت کرده‌اند. چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر ۱۲ تا ۲۲ بهمن سال جاری به دبیری مجتبی امینی برگزار خواهد شد. **روابط عمومی**



دبیر هجدهمین جشنواره تئاتر مقاومت از آغاز بخش صحنه‌ای این جشنواره در شهر مشهد از حضور ۹۲ اثر و ۲۲۰ هنرمند خبر داد. سیدوحید فخر موسوی دبیر هجدهمین جشنواره تئاتر مقاومت درباره اجرای بخش مسابقه صحنه‌ای این دوره از جشنواره گفته: «بخش مسابقه صحنه‌ای جشنواره از دیروز با حضور ۱۲ اثر از شهرهای اصفهان، اردبیل، یزد، خمینی‌شهر، تهران و رباط کریم در شهر مشهد آغاز شد و تا ۱۵ آذر ادامه دارد.» وی با اشاره به حضور ۲۲۰ هنرمند در این بخش، درباره موضوعات مدنظر آثار توضیح داده: «موضوعات آثار حاضر در بخش مسابقه صحنه‌ای جشنواره حول محور مقاومت، دفاع مقدس، ایثار و شهادت، مفا‌عان امنیت و مقاومت اقتصادی است. ۲۰ اثر از مرحمهت بازیگران و همچنین آثار حاضر در بخش مسابقه صحنه‌ای برای حمایت از اجرای عمومی‌شان در طول سال به انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس بنیاد فرهنگی روایت معرفی شده‌اند.» **مه‌ر**

افزوده شده است و با هر شعر تازه‌ای که شاعران جوان‌تر می‌نویسند در این گستره عظیم ادامه خواهد داشت.»

همان‌طور که احمدوند هم در پیام تسلیت خود اشاره کرد است، از شعر مفتون امینی تصریح کرده است: «مفتون امینی بنوعی و منتشرد کرد و شگفت‌انگیزه آنکه در هفتمین و هشتمین دهه عمر نیز چون شاعری جوان، طبیعی روان و جوان داشت، وقتی که نوشت: «گفتی/ چقدر می‌شود از آب گفت؟/ از من اگر که می‌پرسی/ یک دریا».

درگذشت «مفتون امینی» را که آخرین بارمانده از نسل شاگردان مستقیم نیما بود باید علاوه بر خانواده محترم او به میراث‌داران شعر امروز فارسی تسلیت گفت، هر چند آثار این شاعر درگذشته و دهه او در این باره به ایسنا، گفته است:

«ویدیولابیرری» برای نخستین بار در شانزدهمین دوره جشنواره «سینما حقیقت»



تولیدات مرکزگسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی برای نخستین بار در بخش «ویدیولابیرری» و در ایام برگزاری شانزدهمین جشنواره «سینماحقیقت» قابل تماشاست.

در بخش ویدیولابیرری این دوره، افراد خاص شامل نمایندگان رسانه‌ها، میهمانان خارجی و تعدادی از مستندسازان می‌توانند به صورت رایگان مستندهای تولید شده در مرکزگسترش را در پردیس ملت و در غرفه «ویدیولابیرری» تماشا کنند.

پس از پایان جشنواره، درباره امکان تماشای آثار در «ویدیولابیرری» برای علاقه‌مندان، دانشجویان، مستندسازان و نمایندگان رسانه اطلاع‌رسانی خواهد شد.

شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت»، با دبیری محمد حمیدی مقدم اواخر آذرماه ۱۴۰۱ به صورت آنلاین و فیزیکی برگزار می‌شود. **تسنیم**